

خبر کوتاه

عاشق غریب

در روزگاری که هرگونه عرق به پیراهن باشگاهی زیر کوه پول اهدایی باشگاه‌های متمول کفن و دفن شده، طالب ریکانی نمونه تعهد و به تبع آن یک موجود عجیب نشان می‌دهد. نمی‌دانیم او در آینده نیز پای تعهدش به صنعت نفت به طور خاص و به تیم‌های خوزستانی به طور عام می‌ماند یا نه اما این هافبک — مهاجم چپ پای زاده ماهشهر تا این لحظه چنین کرده است. او که با رسیدن سال نو ۳۱ ساله می‌شود، در هفته‌های اخیر و به واقع در جریان نقل و انتقال‌های نیم فصل پیشنهاد جدی و سوسه‌انگیز استقلال تهران را برای تبدیل شدن به پیکان تهاجمی اصلی این باشگاه رد کرد و گفت از وی نخواهند که به «عشق»اش پشت کند.

ریکانی در استقلال خوزستان، استقلال اهواز، فولاد خوزستان و سپاهان هم توپ زده است اما عشق او صنعت نفت است که در سه مقطع زمانی مختلف به عضویت آن درآمد و مایل نیست که در جریان مقطع سوم این تیم را تنها بگذارد.

سلاح اصلی پورموسوی

نیاز مبرم صنعت نفت به ریکانی از کجا می‌آید و دلایل آن چیست؟ «آبادان — برزلیته» پس از شروع خوب در لیگ بیستم حرف‌های فوتبال کشور کم آورده و در حالی که در هفت هفته اول در رتبه‌های دوم و سوم جدول چرخ می‌خورد، تا قبل از مسابقه روز گذشته‌اش با پرسپولیس ۵ دیدار متوالی را بدون برد پشت سر گذاشته و در کمربت کبود در وضعیت نامطمئن استقرار یافته‌بود.

پس از کوچ موفق اواسط سال گذشته عیسی آل‌کثیر از آبادان به پرسپولیس و تخم دو زرده نکردن سایر مهاجمان نفت، وظیفه گلزنی در فصل جاری به ریکانی سپرده شده و او خواه نخواه به مهاجم (کاذب) اول تیم تبدیل گشته. گل‌های محکم و زیبا و فنی ریکانی در ۹ هفته اول لیگ نه تنها نفت را مدعی سهمیه آسیایی کرده بود بلکه تا قبل از اوچگیزی سجاد شهباززاده و گلزنی‌های گادوین منشا، او را امیدوار به کسب مقام آقای گلی لیگ هم کرده بود.

این روال برقرار بود تا اینکه مجموعه‌ای از اشباع شدن‌ها، اشتباهات فردی بخصوص در خط دفاعی، بدقابلی‌ها و فرصت‌سوزی‌های مکرر در مقابل دروازه رقیب، نفت را دچار یک چالش جدی کرد و حالا طلایی‌های آبادان بیش از هر زمانی به ریکانی نیاز دارند تا وی بماند و از سلاح‌های اصلی در دست سیروس پورموسوی برای بازگشت به روزهای خوب و حل مشکلاتی باشد که ملمم‌های تانسافور از مسائل مالی، لغزش‌های فنی، عدم استواری کار تشکیلاتی و البته بی‌تفاوتی‌های مدیریتی است.

بدون نشانه‌ای از تکبر

عده‌ای حاضرند برای یک گوشه چشم از سوی سرخابی‌ها پایتخت، پیراهن‌های خود را هم تکه‌تکه کنند و برای رسیدن به شهرت و نعتات برخاسته از عضویت در این تیم‌ها هر چیز دیگری را که دارند، بر یاد بدهند.

طالب ریکانی تا این نقطه از زندگی‌اش چیزی خلاف این نشان داده است. ریکانی که در زمان جوانی دفاع چپ بود و به آرامی به یک خط جلوتر رفت و به نظر کارشناسان بهترین مکان برای او پست‌های بال چپ تهاجمی و مهاجم کاذب و آزاد است، دوران جوانی و کارآموزی‌اش را در همین تیم آبادانی سپری کرد و در آنجا به بلوغ فکری رسید و پایه آینده‌ای را گذاشت که اینک پیش روی ما جلب نظر می‌کند، یکی از گل‌های او در این فصل که با یک شوت هولناک پای چپ از فاصله‌ای بیش از ۳۰ متر به ثبت رسید، از کاندیداهای جدی عنوان برترین گل فصل است اما در رفتار و گفتار این مهاجم کارآمد و غریب هیچ نشانه‌ای از تکبر را در ارتباط با این گل و سایر دستاوردهایش جست‌وجو نکنید. او حتی در فضای متفاوت اصفهان و با پیراهن سپاهان گلیشم را به خوبی از آب بیرون کشید و کم نیاورد و در روزهایی به کمک استقلال خوزستان شتافت که این تیم دور از جاه و شوکت تک قهرمانی شگفت‌انگیزش در لیگ (پانزدهم) بیش از هر چیز به یک احیایر و عامل نجات نیاز داشت و ریکانی می‌توانست چنین موجودی باشد و کم و بیش نیز بود.

منتقدان وی می‌گویند ایراد بزرگ ریکانی نداشتن ثبات است و او جرقه‌وار عمل می‌کند و گاهی بیش از حد خوب است و زمانی هم معمولی اما اگر او به عهد و وفای خود عمل کند و با ادامه دادن به «نه» گفتن‌هایش به استقلال و امثال آن پای عشق بی‌فرجام‌ش به نفت بماند و بسوزد و مثل شامه پخش و پلا شود، بر هر نقصان فنی‌ای خود سایه خواهد انداخت و یک نمونه کم نظیر خواهد شد.

ایستادی مجنون‌وار

شاید هم منتقدان ابدی ریکانی بگویند دو سال بعد در ۲۲ سالگی وی، کمتر کسی او را با قیمت بالا خواهد خواست و بنابراین اصلاً نیازی به نه گفتن نخواهد داشت و پیشنهادی در کار نخواهد بود که آن را رد کند اما امروز در اسفند ۱۳۹۹ و در اوایلین روزهای باقیمانده از سال جاری، وی ندام تعصب و تعهدی است که در فوتبال ما به یک متاع منقرض شده تبدیل شده است.

او نه بنده پول بلکه اسیر عشق بزرگ خود است عشق به تیمی که وزارت نفت به رغم اعلام ادامه حمایت مالی‌اش از آن هنوز بودجه‌ای در خور به آن نمی‌دهد و پای چنان عشقی فقط باید مجنون‌وار ایستاد و حرف‌های بی‌سرانجام و وعده‌های تحقق‌نیافتنی را جدی نگرفت. به واقع باید فقط ریکانی بود که از جاده و جلال و موهبت‌های پایتخت‌نشینی گذشت و به مزایای گول‌زنده شهرت نه گفت و دوستدار عشق واقعی‌ای ماند که برای او البته «آبادان — برزلیته» است.

هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد تیم فوتبال آلومینیوم با جدایی رسول خطیبی بتواند در بازی با نساجی امتیاز بگیرد و خود را تا رده پنجم بالا بکشد. قرار گرفتن در این جایگاه روحیه خوبی به بازیکنان داد اما برخلاف تصورات، آلومینیوم در بازی با سپاهان با دریافت ۶ گل از هم گسیخته و ناهماهنگ نشان داد تا جایی که غیبت رسول خطیبی روی نیمکت این تیم بیش از پیش به چشم آمد. این شکست اما همه ماجرا نبود و حواشی بسیاری به‌همراه داشت. مصاحبه کوبنده و تند و تیز محمود خرمزی، مسئول فنی تیم آلومینیوم علامت سوال‌های فراوانی را در ذهن اهالی فوتبال به وجود